عدالت مهدوي در انديشه امام خميني

 محمد صادق كفيل

عدالت در تمام مراتب انسانيت

عيد مولود حضرت صاحب ـ ارواحنا له الفدا ـ بزرگ‌ترين عيد براي مسلمين است و بزرگ‌ترين عيد براي بشر است نه براي مسلمين.

اگر عيد ولادت حضرت رسول(ص) بزرگ‌ترين عيد است براي مسلمين. از باب اين كه موفق به توسعه آن چيزهايي كه ميخواست توسعه بدهد، نشد؛ چون حضرت صاحب(عج) اين معنا را اجرا خواهد كرد و در تمام عالم زمين را پر از عدل و داد خواهد كرد. به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهي، بايد ما بگوييم كه عيد شعبان ـ عيد تولد حضرت مهدي(عج) ـ بزرگ‌ترين عيد است براي تمام بشر ـ وقتي كه ايشان ظهور كنند انشاءالله (خداوند تعجيل كند در ظهور او)، تمام بشر را از انحطاط بيرون ميآورد. تمام كجيها را راست كند: ((يملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً)) هم چو نيست كه اين عدالت همان كه ماها از آن ميفهميم، كه نه يك حكومت عادلي باشد كه ديگر جور نكند. آن، اين هست اما خير، بالاتر از اين معناست. معني ((يملا الارض عدلا بعد ما ملئت جورا)) الان زمين و بعد از اين، از اين هم بدتر شايد بشود. پر از جور است. تمام نفوسي كه هستند انحرافات در آنها است. حتي نفوس اشخاص كامل هم در آن، انحرافاتي هست ولو خودش نداند. در اخلاقها، انحراف هست. در عقايد، انحراف هست. در اعمال، انحراف هست و در كارهايي هم كه بشر ميكند، انحرافش معلوم است و ايشان مأمورند براي اين كه تمام اين كجيها را مستقيم كنند و تمام اين انحرافات را برگردانند به اعتدال كه واقعاً صدق بكند: ((يملا الارض عدلا بعد ما ملئت جورا)). از اين جهت، اين عيد، عيد تمام بشر است. تمام بشر را ايشان هدايت خواهند كرد انشاءالله و ظلم و جور را از تمام روي زمين بر مي‌دارند به همان معناي مطلقش. از اين جهت اين عيد، عيد بسيار بزرگي است كه به يك معنا از عيد ولادت حضرت رسول(ص) كه بزرگترين اعياد است، اين عيد به يك معنا بزرگتر است.2

آن كسي كه به اين معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنيا اجرا خواهد كرد نه آن هم اين عدالتي كه مردم عادي ميفهمند ـ كه فقط قضيه عدالت در زمين براي رفاه مردم باشد ـ بلكه عدالت در تمام مراتب انسانيت. انسان اگر هر انحرافي پيدا كند؛ انحراف عملي، انحراف روحي، انحراف عقلي، برگرداندن اين انحرافات را به معناي خودش اين ايجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش اخلاق منحرفي باشد، از اين انحراف وقتي به اعتدال برگردد، اين عدالت در او تحقق پيدا كرده است. اگر در عقايد، يك انحرافاتي و كجيهايي باشد، برگرداندن آن عقايد كج به يك عقيده صحيح و صراط مستقيم، اين ايجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدي موعود (عج) كه خداوند ذخيره كرده است او را، از باب اينكه هيچ كس در اولين و آخرين، اين قدرت برايش نبوده است و فقط براي حضرت مهدي موعود (عج) بوده است كه تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد و آن چيزي كه انبيا موفق نشدند به آن، با اينكه براي آن خدمت آمده بودند، خداي تبارك و تعالي ايشان را ذخيره كرده است كه همان معنايي كه همه انبيا آرزو داشتند، لكن موانع، اسباب اين شد كه نتوانستند اجرا بكنند و همه اوليا آرزو داشتند و موفق نشدند كه اجرا بكنند، به دست اين بزرگوار اجرا بشود. اينكه اين بزرگوار را طول عمر داده، خداي تبارك و تعالي، براي يك هم چو معنايي، ما از آن ميفهميم كه در بشر كسي نبوده است ديگر، قابل يك هم چو معنايي نبوده است. و بعد از انبيا كه آنها هم بودند، لكن موفق نشدند، كسي بعد از انبيا و اولياي بزرگ، پدران حضرت موعود (عج)، كسي نبوده است كه بعد از اين، اگر مهدي موعود (عج) هم مثل ساير اوليا به جوار رحمت حق ميرفتند، ديگر در بشر، كسي نبوده است كه اين اجراي عدالت را بكند. نميتوانسته و اين، يك موجودي است كه ذخيره شده است براي يك هم‌چو مطلبي.

عدالت، رسالت همه انبيا

قضيه غيبت حضرت صاحب (عج)، قضيه مهمي است كه به ما مسائلي ميفهماند. من جمله اين كه: براي يك هم چو كار بزرگي كه در تمام دنيا، عدالت به معناي واقعي اجرا بشود، در تمام بشر نبوده كسي الا مهدي موعود (عج) كه خداي تبارك و تعالي او را ذخيره كرده است براي بشر. هر يك از انبيا كه آمدند، براي اجراي عدالت آمدند و مقصدشان هم اين بود كه اجراي عدالت را در همه عالم بكنند، لكن موفق نشدند. حتي رسول ختمي مرتبت (ص) كه براي اصلاح بشر آمده بود و براي اجراي عدالت آمده بود و براي تربيت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به اين معنا.3

عدالت خواهي، وظيفه منتظران

ما منتظران مقدم مباركش، مكلف هستيم تا با تمام توان كوشش كنيم تا قانون عدل الهي را در اين كشور ولي عصر (عج) حاكم كنيم و از تفرقه و نفاق و دغلبازي بپرهيزيم و رضاي خداوند متعال را در نظر بگيريم.4

اين كشوري كه كشور ائمه هدي و كشور صاحبالزمان (عج) است، بايد كشوري باشد كه تا ظهور موعود ايشان به استقلال خويش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد كه عالم را انشاءالله به عدل و داد بكشد و از اين جورهايي كه بر مستضعفان ميگذرد، جلوگيري كند.5

حالا ابتدا اين پر كردن دنيا را از عدالت، اين را ما نميتوانيم بكنيم. اگر ميتوانستيم ميكرديم، اما چون نميتوانيم بكنيم، ايشان بايد بيايند. الان عالم پر از ظلم است. شما يك نقطه هستيد در عالم. عالم پر از ظلم است، ما اگر بتوانيم جلوي ظلم را بگيريم، بايد بگيريم. تكليفمان است. ضرورت اسلام و قرآن، تكليف ما كرده است كه بايد برويم همة كار را بكنيم. اما نميتوانيم بكنيم، چون نمي‌توانيم بكنيم، بايد او بيايد تا بكند، اما ما بايد فراهم كنيم كار را. فراهم كردن اسباب اين است كه كار را نزديك بكنيم، كار را هم چو بكنيم كه مهيا بشود عالم براي آمدن حضرت(عج).6

حكومت عدل

آن كاري كه لشكر امام زمان (ع) بايد بكند، با آن كاري كه لشكر طاغوت ميكرد، فرق دارد. همانطوري كه خود امام زمان (ع) با طاغوت فرق داشت. آن، حكومت جور بود و اين، حكومت عدل. آن، حكومت طاغوت بود و اين، حكومت خدا.7

عدالت، يك عدالت اجتماعي در همه عالم ميآيد، اما نه اينكه انسانها بشوند يك انسان ديگر. انسانها همان هستند كه يك دستهشان خوبند، يك دستهشان بد. منتها آنهايي كه بد هستند، ديگر نميتوانند كارهاي خلاف بكنند.8

در حكومت عدل بقية الله(عج) هم عدالت جاري ميشود، لكن حبهاي نفساني در بسياري از قشرها باقي است و همان حبهاي نفساني است كه بعضي روايات هست كه حضرت مهدي (عج) را تكفير ميكنند.9

ما نبايد توقع داشته باشيم كه، صبح كنيم در حالي كه همه چيز سر جاي خودش باشد. در زمان حضرت صاحب (عج) هم كه ايشان با تمام قدرت ميخواهند عدل را اجرا نمايند، با اين ترتيب نميشود كه هيچكس حتي خلاف پنهاني هم نكند.10

عدالت فراگير

و فتنهانگيزيها پاك شود و حكومت عدل الهي بر سراسر گيتي گسترش يابد و منافقان و حيلهگران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالي بر بسيط زمين، افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامي بر بشريت حاكم شود و كاخهاي ستم و كنگرههاي بيداد فرو ريزد و آن چه غايت بعثت انبيا عليهم صلوات الله و حاميان اولياء (ع) بوده، تحقق يابد و بركات حق تعالي بر زمين نازل شود و قلمهاي ننگين و زبانهاي نفاق افكن، شكسته و بريده شود و سلطان حق تعالي بر عالم پرتوافكن گردد و شياطين و شيطان صفتان به انزوا گرايند و سازمانهاي دروغين حقوق بشر از دنيا برچيده شوند و اميد است كه خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور اين مولود فرخنده هر چه زودتر فرا رساند و خورشيد هدايت و امامت را طالع فرمايد.11

------------------

پي نوشت ها:

1 .

2 . صحيفه نور، ج 12، صص 207ـ209.

3 . همان.

4 . صحيفه نور، ج 15، ص 22.

5 . صحيفه نور، ج 14، ص 195.

6 . صحيفه نور، ج 20، صص 198ـ199.

7 . صحيفه نور، ج 11، ص 135.

8 . صحيفه نور، ج 20، ص 79.

9 . صحيفه نور، ج 16، ص 105.

10 . صحيفه امام، ج 19، ص 303.

11 . صحيفه نور، ج15، ص 22.